

یادداشت

خانه سراج‌الملک

الیه ثابتی

انگیزه پیدا کردن خانه حبیب (در واقع منزل سراج‌الملک، پدر همسر او) پس از خواندن کتاب خاتم اطرابی‌برایم پیدا شد. توصیف زیبایی ایشان از محل تدریس و ضبط صفحه‌هایی که حبیب با پروانه ضبط کرده است، بسیار جالب بود: خانه اشرافی، استخر بزرگ، گل یخ بزرگی در باغچه، حوض خانه ورودی، و بالاخره خاناهی که محل اجتماع دوستان و شاگردان حبیب بود؛ افرادی همچون نورعلی برومند، قباد ظفر، مرتضی عبدالسولی و مهدی ناظمی. علاقه من به و خصوصاً شیوه سنتورنوازی حبیب باعث شد بعد از حدود سه سال بتوانم با کمک نقشه‌ای قدیمی از تهران و بررسی‌های محلی این خانه را بیابم.

خانه سراج‌الملک در خیابان امیرکبیر، کوچه سراج‌الملک واقع شده است. این خانه در گذشته متعلق به سراج‌الملک (رضاقلی‌خان؛ از رجال عهد قاجار و پیشکار ظل‌السلطان که در سال ۱۳۳۳ ه‍.ق درگذشت) بوده که بانی مسجد سراج‌الملک در خیابان امیرکبیر و حمای در کنار همین خانه نیز (با توجه به کتیبه آن) اوست. علاوه بر پرسش‌های محلی که نشان می‌دهد این خانه متعلق به سراج‌الملک بوده، نام این خانه و نیز حمام کنار آن در نقشه تهران قدیم–ترسیم عبدالغفر–موجود است. بنابراین می‌توان احتمال داد تاریخ ساخت این خانه قبل از سال ۱۳۰۱ ه‍.ق (سال اتمام این نقشه) بوده است.

با توجه به عکس هوایی سال ۱۳۳۵ به نظر می‌رسد حیاطی کوچک در ضلع جنوب شرقی وجود داشته که احتمالاً بیرونی این خانه یا حوض‌خانه بوده است. در حال حاضر این خانه مالک جدیدی دارد و تقریباً به حالت نیمه‌خروبه درآمده است. حمای که در کنار آن بوده به ساختمانی جدید تبدیل شده و به نظر می‌رسد حوض‌خانه‌ای که توصیف آن آمده از ملک جدا شده و به پاساژی چندطبقه تبدیل شده است. قسمت باقیمانده نیز بعید نیست در آینده نه‌چندان دور سرنوشتی همچون قسمت‌های دیگر پیدا کند.

خبر

«**فراسوی زمان**»

اثر علی‌ض‌را فرهنگ منتشر شد

آلبوم موسیقی «فراسوی زمان» به آهنگسازی علیرضا فرهنگ توسط نشر موسیقی هرمس منتشر شد. علیرضا فرهنگ از شاگردان علیرضا مشایخی آهنگساز مدرن ایرانی است که آهنگ‌های متعددی را برای ارکسترهای مختلف و مطرح اروپایی نوشته است. این اثر شامل هفت قطعه از ساخته‌های فرهنگ است که توسط ارکسترهای مطرح در اروپا اجرا و ضبط اجرای زنده آن در این آلبوم ارائه شده است. «مایه» (با ارکستر ناسیونال لوراین)، «جیمه دوم» (الکترو آکوستیک، به مدت ۶۵ ثانیه به مناسبت ۶۵ سالگی یکی از هنرمندان آلمانی)، «گستاخه» (آنسامیل آلترنانس در سوربن)، «کلنین» (برای اصوات الکترونیکی و تکنوازی فلوت)، «فراسوی زمان» (آنسامیل آلترنانس)، «پژواک» (کوارتت BRT ایتالیا)، «نوا» (آنسامیل کلاگد در آلمان)



نام قطعاتی است که در این آلبوم شنیده می‌شود. این اثر به نوعی، گره‌ته‌براری از موسیقی ایرانی است و «فرهنگ» تلاش کرده از دل این نوع موسیقی، اصوات مدرن را به شنوندگان حرفه‌ای موسیقی ارائه کند. علیرضا فرهنگ نخستین دروس موسیقی را در شش سالگی نزد پدر و سپس پیانو را در کنار ملیک‌اصلاتیان و رافائل میناسکانیان فراگرفت. با ورود به دانشگاه تهران و تحصیل در رشته موسیقی با علیرضا مشایخی آشنا شد و آهنگسازی را به طور جدی با وی آغاز کرد. در سال ۱۳۸۰ عازم کشور فرانسه شد. او در حال حاضر به تالیف تِر دکترای خود در دانشگاه سوربن مشغول است.
تأثیر موسیقی سنتی ایرانی در آثار وی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به چشم می‌خورد. روابط آکوستیک و فیزیک روانی موجود در ساختار صوت و فواصل میکرو نتال موسیقی ایرانی باعث خلق آثاری شده است که در آنها موسیقی سنتی نه در روساخت بلکه در زیرساخت این قطعات نقش عمده‌ای بازی می‌کند. «فراسوی زمان» به تازگی در مراکز عرضه محصولات فرهنگی عرضه شده است.

موضع وزارت ارشاد

در باره امکان تاسیس شبکه موسیقی

سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی موسیقی ایران درباره امکان تاسیس یک شبکه ویژه موسیقی در کشور بیان کرد: «بلندا باید برنامهای را زمینه‌پیشهاد داده شود تا روی آن بحث و بررسی شود. بخشی از این کار که مربوط به مسائل فقهی و شرعی است، ممکن است در حیطه اختیارات دولت نباشد که باید با توجه به آن مسائل، طرح‌ها و برنامه‌ها ارائه بشوند. در حوزه سینما ما برای مقابله با هجوم شبکه‌های مامورای به یک‌جمع‌بندی رسیدیم و در آن کوبوده‌ها نیز به زمینه‌نرم‌افزاری و سخت‌افزاری از سالن‌های سینما گرفته تا شهرک‌های سینمایی و تجهیزات تولید فیلم مورد بررسی قرار گرفت و به نتایج خوبی دست یافتیم. برنامه‌هایی از قبیل ساخت فیلم مشترک با کشورهای دیگر و ترجمه فیلم‌های ایرانی به زبان‌های مختلف را در هیات دولت مطرح کردیم که مورد حمایت هیات دولت قرار گرفت و قرار شده است. اعتبارات کافی برای این برنامه‌ها در نظر گرفته شود.»

توانایی حبیب سمعی در نوازندگی سنتور و خاطرات شگفت‌آوری که از نوازندگی وی در تاریخ موسیقی سرزمین ما نقل شده است، نام این هنرمند را در زمره برجسته‌ترین نوازندگان سرزمین ما قرار داده است. خلاقیت و طراوتی که او در کارش داشت بر اهل فن پوشیده نیست و آنان که نواختن وی را از نزدیک دیده بودند، صلابت و استحکام کار وی را ستوده‌اند. او حلقه رابط استادان قدیم سنتور با دوران معاصر بود و در روزگاری که این ساز می‌رفت تا به فراموشی سپرده شود، حیات دوباره به سنتور و نوازندگی آن بخشید. استادان حبیب، استحکام سبک و شیوه سنتورنوازی و ذوق هنری و همچنین شاگردان وی از عوامل موثر در ماندگاری ساز سنتور و انتقال اصول و قواعد نوازندگی آن بودند.

حبیب سمعایی از دوران کودکی، آن زمان که همراه پدرش «سماع حضور» به محافل و مجالس بزرگان موسیقی ایرانی می‌رفت، شنونده ساز بزرگ‌ترین استادان موسیقی ایرانی بود. پدر حبیب نسبت به انتقال هنر خود به فرزندش اهتمام می‌ورزید. حبیب از همان سنین کودکی با یکی از مهم‌ترین ارکان موسیقی ایرانی یعنی وزن (ریتم) آشنا شد، تا جایی که در کنار پدر و همراه با ساز او در محافل موسیقیدانان ضرب می‌گرفت. در نوجوانی هم که سنتور می‌نواخت، تحسین بسیاری از نامداران موسیقی ایرانی را برمی‌انگیخت. شیوه سنتورنوازی او ادامه همان شیوه سنتورنوازی پدرش بود که آن هم به عنوان شیوه‌ای بسیار اصیل و ریشه‌دار شناخته می‌شد. حبیب سمعی در بداهه‌نوازی که از مشخصه‌های اصلی موسیقی ایرانی است، استاد بود و در هر بار نواختن جمله‌پردازی بدیع و شگفتی داشت. این مساله نتیجه قرار گرفتن در محیطی بود که حبیب همواره آن را تجربه می‌کرد. محیطی که در آن پدر و دیگر استادان طراز اول می‌نواختند و حبیب در دوره‌های مختلف زندگی خود آن موسیقی را می‌شنید و حس می‌کرد.

حبیب نوازنده‌ای باذوق و حساس به حفظ اصول و قواعد نوازندگی سنتور بود. شاگردانش گفته‌اند هیچ‌گاه یک در آمد یا گوشه را دو بار و به صورت یکسان و مشابه نمی‌نواخت و این یعنی مسلط بودن در بداهه‌نوازی. در یک مجلس یک بار آن هم به اصرار فراوان ساز می‌زد که ممکن بود تا سه ربع پیوسته تداوم داشته باشد. او حیات موسیقی را در اجرای زنده آن می‌دانست و همواره از اینکه بخواهند صدای ساز او را ضبط کنند، ابا داشت. با این حال پنج صفحه گرامافون همراه با صدای پروانه، از وی در تهران ضبط شد که مشخصه‌های نوازندگی او را به خوبی نشان می‌دهند. اما چارچوب شیوه نوازندگی وی نه‌تنها از طریق آن پنج صفحه، بلکه از طریق شاگردانی که داشت نیز حفظ شده و انتقال می‌یافت.

در آستانه شصت و دومین سالگرد درگذشت حبیب سمعی با مجید کیانی نوازنده سنتور به گفت‌وگو نشستیم؛ کسی که او را به عنوان ادامه‌دهنده شیوه حبیب سمعی می‌شناسیم. این گفت‌وگو دو سال پیش در یک عصر تابستانی انجام گرفت. در طبقه سوم آپارتمان کوچکی واقع در میدان هفت تیر که کیانی سال‌هاست در آنجا سنتور را به شیوه حبیب سمعی به شاگردانش تدریس می‌کند. پدر گفت‌وگو به اتاقی رفتیم که کلاس‌های درس ردیف‌اش را برگز می‌کند و در حالی که شاگردانش در آنجا دیگری در انتظار آغاز کلاس هفتگی‌شان بودند، با وی به گفت‌وگو نشستیم و از او درباره حبیب سمعی و وضعیت شیوه سنتورنوازی‌اش ۶۲ سال پس از فقدانش پرسیدیم.

— — —

—**آقای کیانی، حبیب سمعایی چه جایگاهی در موسیقی ایرانی دارد؟**

ما در شرق برای هر هنری، مکاتب خصوصی زیادی داریم که این مکتب‌ها نمی‌توانند حالت واحد و یکسانی بگیرند و به اصطلاح در آموزش یا اجرا، به یک استاندارد واحد برسند. شاید تا یک قرن پیش فقدان این استاندارد به عنوان یک ضعف شمرده می‌شد. این سوال وجود داشت که چرا مثلاً یک آموزش یکسان و یکدست در موسیقی و دیگر هنرهای شرقی وجود ندارد. چرا مثلاً هر کلاسی هر استادی یا هر مکتبی چیزهای متفاوتی می‌گویند و چرا همدیگر را هم قبول ندارند. در مجموع شاید در آن دوران این مسائل را جزء امتیازات خوب نمی‌دانستند.

خوشبختانه در دهه‌های اخیر به علت همین دور شدن از امور استاندارد شده‌های ماضی، نزدیک شدن به تنوع در کارهای دستی، حالا این اختلاف نظرها و استانداردها نبودن‌ها اهمیت پیدا کرده و زیبایی خاص خود را نشان داده است و می‌بینیم چقدر خوب است که اینچنین شاگردانی به یادگار مانده است. البته از نظر جسمانی همه آن شاگردان از این جهان رفته‌اند اما همچنان حضورشان احساس می‌شود. بنابراین در این دایره از زمان حال که قرار می‌گیریم با کمی مطالعه و دقت متوجه می‌شویم که شیوه حبیب پشتوانه‌ای بسیار قوی دارد که از لحاظ نغمه‌ها و ملودی‌ها همان ردیف است. توجه داشته باشید که ردیف را ما به عنوان یک موسیقی ثبت شده و کلیش‌های نمی‌بینیم و نباید هم ببینیم بلکه ردیف یک موسیقی بسیار سیال و بسیار متغیر است. آداب و اصول و قواعدی دارد که وقتی خود ردیف حفظ می‌شود و انتقال می‌یابد، آن آداب و قواعد نیز انتقال پیدا می‌کنند و اصل موضوع از بین نمی‌رود. و حفظ می‌شوند. موسیقی را می‌توان به زبان تشبیه کرد. مکاتب مختلف با حفظ پایه‌های اصلی زبان، به شیوه خود آن زبان را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. در سنتورنوازی یکی از آن مکاتب که به نظر من خیلی مهم است، همین مکتب سماع‌حضور می‌تواند باشد که در ادامه مکتب محمدصادق‌خان و دنبال‌شده توسط حبیب سمعی است که زبان موسیقی و شیوه نوازندگی سنتور بین ایشان نسل به نسل انتقال پیدا کرده است. اگر بخواهیم از لحاظ تاریخی، آن هم در یک فرهنگ شفاهی، در خاطره‌ها به عقب بازگردیم، فعلاً قبل از حسن سنتورخان دیگر سنتورنوازی نمی‌شناسیم. مگر اینکه دوباره با تحقیقاتی

به سختی بتوانیم پیدا کنیم که استاد حسن سنتورخان چه کسی بوده است؟ ولی در فرهنگ‌های شفاهی، اصلاً به تاریخ‌نگاری وقایع تاریخی، پیدا کردن سال تولد و درگذشت یا نام فلان استاد مثلاً «حسن‌خان» نیازی نیست بلکه خود اثر هنری و قرص و محکم بودن آن مهم است. مثلاً ردیف‌هایی می‌شناسیم مثل ردیف میرزاعبدالله، ردیف آقا حسینقلی یا ردیف‌های استادهای دیگر، که وقتی به آنها مراجعه می‌کنیم می‌بینیم دارای ساختار منظم مهندسی و خیلی زیبایی هستند و یک اندیشه قوی پشتوانه آنهاست. این ساختارها به خودی خود نشان می‌دهد که این آثار در یک فرآیند انتقال بسیار خوبی به ما رسیده‌اند. به خصوص وقتی که ما در مورد فواصل، وزن‌ها، جمله‌بندی‌ها و روی خصوصیات موسیقی از گذشته تا امروز مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم سیر موسیقی‌ای که امروز داریم به گونه‌ای بوده است که این خصوصیات در آن به خوبی تداوم یافته‌اند. بعد هم اطمینان پیدا می‌کنیم که این موسیقی، یک موسیقی دامنه‌داری است و می‌شود احتمال داد که از دنیای قدیم دوران باستان– همین طور با تغییرات خاص نسل به نسل انتقال پیدا کرده تا امروز به دست ما رسیده است.

از آنجا که در فرهنگ شفاهی این موسیقی وقایع‌نگاری و تاریخ‌نگاری چندان مدنظر نبوده، خیلی در اجرا اهمیت ندارد که در چه دوره‌ای و در کجا چه اتفاقاتی رخ داده است.

اگرچه اهمیت این مسائل تاریخی در پژوهش‌های حوزه موسیقی و موسیقی‌شناسی را نفی نمی‌کنیم، اما چیزی که خیلی اهمیت دارد زمان حال است و اینکه الان چه چیزی در اختیار داریم و با آن چه می‌کنیم. مثلاً اگر بخواهیم راجع به شیوه یا سبک حبیب سمعایی مطالعه بکنیم، باید در واقع در زمان حال قرار بگیریم و دایره این زمان حال را می‌توانیم کمی بزرگ‌تر کنیم یعنی حبیب سمعی را هم

در این زمان حال قرار بدیم. می‌توانیم او را **یک نوازنده معاصر بدانیم؟**

هنوز صد سال از درگذشت او سپری نشده است.
بله. او نیز در دوره معاصر ما زندگی کرده و خیلی دور نیست. مخصوصاً اینکه از او آثاری به صورت صفحه و نیز شاگردانی به یادگار مانده است. البته از نظر جسمانی همه آن شاگردان از این جهان رفته‌اند اما همچنان حضورشان احساس می‌شود. بنابراین در این دایره از زمان حال که قرار می‌گیریم با کمی مطالعه و دقت متوجه می‌شویم که شیوه حبیب پشتوانه‌ای بسیار قوی دارد که از لحاظ نغمه‌ها و ملودی‌ها همان ردیف است. توجه داشته باشید که ردیف را ما به عنوان یک موسیقی ثبت شده و کلیش‌های نمی‌بینیم و نباید هم ببینیم بلکه ردیف یک موسیقی بسیار سیال و بسیار متغیر است. آداب و اصول و قواعدی دارد که وقتی خود ردیف حفظ می‌شود و انتقال می‌یابد، آن آداب و قواعد نیز انتقال پیدا می‌کنند و اصل موضوع از بین نمی‌رود. ملودی‌ها می‌توانند تغییر کنند، حالت‌ها، سرعت … هر نوازنده، با ذوق و سلیقه خودش آن ردیف را می‌پروراند. اگر ردیف یا این موسیقی را مثل زبان در نظر بگیریم گویی این زبان در اختیار همه شاعران و هنرمندان قرار دارد و حالا هر کس به ذوق خودش باید از این واژه‌ها، قواعد و فرم‌هایی که دارد استفاده کند و اثری هنری خلق کند. در موسیقی ردیف هم همین طور می‌شود. شاگرد باید زبان انتزاعی این نوع موسیقی را در آموزش به صورت سینه به سینه فراگیرد، بعد به وسیله این زبان و قالب‌هایی که فراگرفته، موسیقی را اجرا کند.

وقتی آثار حبیب سمعی را مطالعه می‌کنیم درمی‌یابیم

گفت‌وگو با مجید کیانی به بهانه سالگرد درگذشت حبیب سمعی

ردیف، سیال و متغیر است

علی شادکام



که او زبان موسیقی را به خوبی فراگرفته است. دلایل هم بسیار واضح است؛ پدری داشته به نام سماع‌حضور که استاد بزرگی در تصنیف‌ها و قطعات ضربی و گوشه‌های موسیقی بوده است. بنابراین خیلی خوب توانسته است این هنر را به فرزند و شاگردش که حبیب سمعی است انتقال دهد. سماع‌حضور هم خود به همین صورت استاد بزرگی داشته است به نام محمدصادق‌خان که او نه فقط در زمینه سنتور، بلکه همه هنرمندان و موسیقیدانان زمان خودشان او را «سرور» و مرجع هنری یا فرهنگی خودشان می‌دانست‌اند و لقب «سرورالملک» به همین دلیل به ایشان داده می‌شود. پس این نشان می‌دهد که حبیب سمعی از یک فرهنگ قوی موسیقایی‌برخوردار است و این زبان را هم خیلی خوب یاد گرفته است.

—**آیا همیشه همین‌طور است که فرزند یک استاد وارث خوبی برای میراث هنری پدر خود باشد؟**
نه. گاه ما در همین تاریخ موسیقی خودمان می‌بینیم که بعضی از فرزندان استادان بزرگ هستند که نتوانسته‌اند این زبان موسیقی را به علت فراهم نبودن شرایط، خوب فراگیرند. مانند برخی از استادان ادبیات فارسی که مهاجرت کرده‌اند یا آمریکا و پس از مدتی فرزندان دیگر زبان فارسی را فراموش کرده و به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. پس دلیل نمی‌شود که فرزند یک استاد بزرگ هم باید مثل پدرش باشدولی گاهی هم مثل حبیب سمعی این پیش می‌آید که گویی تمام آنچه که باید انتقال پیدا می‌کرده از طریق سماع‌حضور به حبیب انتقال یافته است و ذوقی خدادادی در او بود که می‌توانست آنچه آموخته را خوب بیوراند. خیلی خوب ساز می‌نواخت و دارای زبান و روش خوبی هم بود. اگر بخواهیم این‌ روش را با مثال توضیح دهیم می‌توانیم به خوشنویسی توجه کنیم.

گویی روش او مثل خط نستعلیق است و آداب این خط را هم حبیب از پدرش فراگرفته است. یعنی اینکه چگونه مضارب‌ها را بگیرد، کجا از ضربیه راست و کجا از مضارب چپ استفاده کند و… و با زبان خوبی که دارد می‌شود یک شاعر که از ادبیات زبانش مثل سعدی، مولانا و حافظ به‌خوبی آگاه است و هم شیوه نگارش خوبی مثل یک استاد خوشنویس دارد و می‌تواند این مطالب را خیلی خوب بنویسد. فقط اینجا ذوق می‌خواهد که در همین شیوه‌ای که انتخاب کرده، «زیبایی» بیافزیند. مثل استادان خوشنویس امروز ما که خط جدیدی را اختراع نمی‌کنند، زبان‌شان فارسی است، قالب‌ها و سبک و شیوه‌ای که دارند که همان نستعلیق، شکسته، نسخ … است و طبق قواعدی که از گذشته به آنها رسیده است مطالب را می‌نویسند. ولی چگونه است که یک نفر می‌تواند همین قواعد را به کار بندد و خطی در نهایت زیبایی داشته باشد و یک نفر دیگر نمی‌تواند در حالی که او هم همان زبان و همان شیوه را دارد؟ اینجااست که وقتی به حبیب مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم همه اینها را در نهایت دارد. یک زبان خوب که همان «ردیف» باشد، با یک شیوه خوب یعنی همان شیوه سنتورنوازی حبیب، سماع‌حضور یا محمدصادق‌خان، و حالا احتیاج به یک ذوق خلاق است که این را هم در حبیب و آثارش و نیز گفته‌های شاگردانش مثل آقای برومند، قباد ظفر، عبدالرسولی و مهدی ناظمی به خوبی مشاهده می‌کنیم.

با توجه به آنچه گفتیم این شیوه را می‌توانیم خیلی معتبر، قرص و محکم بدانیم و حالا وقتی نسل‌های بعد بخواهند به وسیله تحقیق بداندن چه شیوه‌ای و چه راه و روشی برای نواختن سنتور خوب است، به نظر من بهترین‌اش همین شیوه حبیب است که دارای استحکام به سختی بتوانیم پیدا کنیم که این موسیقی، یک موسیقی دامنه‌داری است و می‌شود احتمال داد که از دنیای قدیم دوران باستان– همین طور با تغییرات خاص نسل به نسل انتقال پیدا کرده تا امروز به دست ما رسیده است.

خلاصه گفت‌وگو

مجید کیانی را به عنوان ادامه‌دهنده شیوه حبیب سمعی در سنتورنوازی می‌شناسند. با او ۶۲ سال پس از درگذشت سمعی درباره سبک نوازندگی و آموزش سنتور گفت‌وگو کردیم. کیانی در این گفت‌وگو درباره ردیف موسیقایی ایران نیز سخن گفته است.



خوب و ظرافت‌های بسیار است و البته اصالت فرهنگی ما را در تمام زمینه‌ها حفظ کرده است. این هم مربوط می‌شود به خصوصیات هنرمندی مثل حبیب سمعی، که حساسیت بسیار زیادی در حفظ و امانداری فرهنگش دارد. این خیلی بی‌تأثیر است که چنین هنرمندی دلسوزانه کار نکند. —**در مورد شاگردان حبیب صحبت شد. شما بیشتر در محضر استاد برومند بودید، ممکن است کمی درباره کیفیت جلسات و کلاس‌هایی که با ایشان داشتید توضیح دهید. این کلاس‌ها چگونه برگزار می‌شدند؟**

مدتی ایشان در دانشگاه درس می‌دادند و همین طور ردیف کار می‌کردند و شاگردانی داشتند که ما هم آن زمان در دانشگاه بودیم. حدود یکی دو سال هم که به صورت نیمه‌خصوصی و خصوصی در مرکز حفظ و اشاعه بودیم، آقای برومند سازی می‌زدند، گوشه‌ای را می‌زدند و هر کس با ساز خودش آن را مرور و تکرار می‌کرد و آقای برومند او را راهنمایی می‌کردند. چند سالی هم بعد از استعفا‌ی ایشان از مرکز حفظ و اشاعه، سعادت نصیب من، آقای لطفی و فرهنگ فر و بعد هم آقای شجریان شد که در منزل استاد بقیه کارهایمان را که برایمان مثل تحصیلات عالیّه بود ادامه دهیم. چون این جلسات خیلی خصوصی بود و امکانش برای همه فراهم نبود، کمی جنبه‌های محرمانه استاد– شاگردی را دربرداشت. ما از ساعت پنج روزهای دوشنبه استرا می‌رفتیم خدمت‌شان که گاه تا هشت و شب هم طول می‌کشید. یک وقت‌هایی صحبت می‌کردند، یک وقت‌هایی ساز می‌زدند. گاهی هم ما ساز می‌زدیم. گاهی یک پیش‌رآمد را با هم کار می‌کردیم که سه چهار نفری می‌زدیم. یکی دوتا از این نمونه‌ها را من در این چند سی‌دی که ضمیمه کتاب هفت دستگاه است که به صورت e-book درآمده، آورده‌ام که داریم سه چهار نفری مثلاً پیش‌درآمد اوپعرا را می‌زنیم.

—**اما در مورد شاگردان دیگر حبیب سمعی فکر می‌کنم شما با همه آنها دیدارهایی داشته‌اید. مثلاً آقای قباد ظفر، مرتضی عبدالرسولی و…**

بقیه شاگردان حبیب البته هیچ‌کدام اهل این نبودند که در جامعه به صورت رسمی و حرفه‌ای بخواهند شاگرد داشته باشند یا ساز بزنند و کنسرت بدهند. فقط آقای برومند بودند که ایشان به آموزش خیلی اهمیت می‌دادند تا بتوانند این ردیف‌ها را به بعضی از شاگردان‌شان در دانشگاه، که یک مکان علمی است، انتقال بدهند و البته تربیت نوازنده حرفه‌ای که در کنسرت‌ها بنوازد و… اصلاً در روحیه آقای برومند نبود. ایشان می‌خواستند یک موسیقی را خوب به شاگردان انتقال بدهند تا به خوبی حفظ شود و می‌خواستند آن امانتداری لازم را در موسیقی داشته باشند. آقای برومند ذوق و علاقه فراوانی به موسیقی داشت و همه اوقات زندگی‌اش را صرف موسیقی کرده بود، ۱۲ سال شاگرد حبیب بود و می‌خواست شیوه خود را بیاپوزد. آقای برومند می‌خواستند مطالب موجود در ردیف میرزا عبدالله را روی سنتور بنوازند، اما این‌طور که آقای ناظمی می‌گفتند، حبیب دوست نداشت آقای برومند روی سنتور ردیف میرزاعبدالله را بنوازد. ولی امروز که ما تحقیق می‌کنیم، می‌بینیم این کار هیچ مشکلی را ایجاد نمی‌کند. اگرچه آهنگ‌ها متنوع می‌شوند اما چیزی که باید حفظ شود شیوه نواختن آنهاست و این زبان اصلی، که موسیقی ردیف باشد.

—**وضعیت این شیوه حبیب سمعی را الان چگونه می‌بینید؟**

الان فوق‌العاده است. بسیاری از جوانان را می‌بینم که علاقه زیادی به این شیوه نشان می‌دهند و در حال کار کردن هستند و بی‌تأثیر است یعنی شاید هیچ دوره‌ای نداشته باشیم که اینقدر به شیوه حبیب پایبند باشند. منتهای این شیوه هم مثل هر چیز دیگر تغییرات گوناگون یافته و شعبه‌های مختلف را به خود گرفته است. به عبارتی مثلاً مکتب استاد پایور هم یک نوع شیوه سنتورنوازی حبیب سمعی است منتهای خود استاد پایور هم یک سلیقه‌هایی داشته‌اند که به این مکتب اضافه کرده‌اند و پیش رفته‌اند.

حتی برخی شیوه‌های دیگر مثل شیوه بسیار متفاوت مرحوم ورزنده نیز همین طور است و ما آثاری از سنتور حبیب را گاه در سنتور ورزنده هم می‌بینیم. یعنی خیلی دور نیست، به هر جهت از زمانی که حبیب در رادیو تهران سابق به صورت زنده تکنوازی می‌کرد یا با دیگران ساز می‌زد همه را تحت تأثیر قرار می‌داد. اوایل‌آمد تمام سنتورها را که نگاه می‌کنیم همه همانند سنتوری است که در شیوه سمعی استفاده می‌شود. بیشتر آنها ۹ خرک دارند، مضارب‌ها هم تقریباً به همان شکل هستند اما با تغییراتی همراه بوده که بعضی از این تغییرات در جهت تحول بوده و برخی در جهت تحریف و تحریف و… حالا ممکن است عده‌ای هم بخواهند روی کار حبیب مطالعه کند تا ببینند او دقیقاً چگونه می‌رفته‌اند و همان را تداوم ببخشند. این هم برای خودش یک سبک می‌شود. ما سعی داریم تا حد امکان حبیب را بشناسیم و شیوه او را زنده نگه داریم ولی واقعاً نمی‌دانیم تا چه حد موفق شده‌ایم. این کاش خیلی بود و می‌دیدیم این کاری که ما داریم می‌کنیم تا چه حد مورد تایید او قرار می‌گیرد. ما نمی‌دانیم ولی به دلیل عشق و علاقه‌ای که به شخصیت و سنتورنوازی و هنر او داریم دل‌مان می‌خواهد سبک او را پژوهش کنیم و بشناسیم و ادامه دهیم. همین.

—**آینده همین قسمت از سنتورنوازی ایران را که به شیوه حبیب سمعی نزدیک‌تر است چگونه ارزیابی می‌کنید؟تداوم آن و…**

البته ما نمی‌توانیم آینده‌نگری خیلی دقیق داشته باشیم اما می‌توانیم این‌طور حدس بزنیم که هنری که اصالت دارد و درست است ماندگار است. اگر شیوه حبیب را شیوه‌ای کاملاً بااصالت و دارای زیبایی‌های عرفانی هماهنگ با فرهنگ اسلامی و ملی‌مان ببینیم، اینجا است که می‌توانیم با بگویم در آینده این شیوه صد درصد ماندگار خواهد شد و بهتر شناخته خواهد شد. همچنان اجرای‌های خوبی توسط نسل‌های آینده خواهیم داشت.

دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۸۹

خبر

کنسرت ارکستر فیلارمونیک پارسیان با رهبری علی رهبری

کنسرت ارکستر فیلارمونیک پارسیان با حضور علی رهبری از رهبران ارکسترتر مطرح جهان هم‌راه سال جاری در تالار وحدت برگزار خواهد شد. بابک چمن‌آرا مدیر انتشارات آوای خورشید که برگزارکننده این کنسرت خواهد بود، در این باره توضیح داد: «به لحاظ زمانی مجوز این کنسرت تا دو هفته دیگر اخذ خواهد شد. این برنامه ۷ تا ۱۰ مهرماه سال جاری در تالار وحدت برگزار می‌شود.» او درباره قطعات این کنسرت گفت: «قطعاتی همچون سمفونی شماره ۵، کنسرت پیانو شماره ۵ و… از آثار بتهوون اجرا خواهد شد. آقای والیش از نوازندگان پیانو که بارها برای اجرای کنسرت به ایران آمده، در این کنسرت تکنواز پیانو خواهد بود.» چمن‌آرا درباره ارکستر فیلارمونیک پارسیان بیان کرد: «ارکستر زهی پارسیان به سرپرستی



مازیار ظهیرالدینی اکنون با اضافه کردن سازهای بادی و کوبه‌ای تبدیل به یک ارکستر سمفونیک شده است و از آنجا که این ارکستر به صورت خصوصی اداره می‌شود، نام فیلارمونیک به آن تعلق می‌گیرد. این کنسرت به رهبری علی رهبری از رهبران ارکستر شناخته‌شده جهان در تالار وحدت اجرا می‌شود.» کنسرت ارکستر فیلارمونیک پارسیان به رهبری علی رهبری به همت مرکز موسیقی بتهوون ۷ تا ۱۰ مهرماه سال جاری در تهران برگزار خواهد شد.

گزارشی از برگزاری کنسرت‌ها

ایستنا: برنامه‌های اجرایی و کنسرت‌های مختلفی ایسن روزها پیش از آغاز ماه رمضان توسط گروه‌های مختلف موسیقی در تهران و برخی از شهرستان‌ها برگزارست. این روزها تقریباً نمی‌توان هیچ سالنی را خالی از اجرای موسیقی سراغ گرفت. تالار وحدت، تالار وزارت کشور، مرکز همایش‌های برج میلاد، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی، سالن رودکی، اریکه ایرانیان، ایوان شمس، فرهنگسرای بهمن … همه میزبان گروه‌های موسیقی هستند. محمداصفهانی در روزهای ۱۳ و ۱۴ مرداد در تالار وزارت کشور کنسرت برگزار می‌کند و بهای بلیت این کنسرت بین ۱۵، ۲۵، ۳۰، ۳۵ و ۴۰ هزار تومان اعلام شده است. کیهان کلهر به همراه گروه «همنوازان کلهر» که چند هفته گذشته در تهران و تالار وحدت برنامه داشتند، از ۷ مردامهه اجرایشان را در شیراز آغاز کردند. کنسرت این گروه هشت‌شنبه در تالار حافظ این شهرستان تمام شد و ۱۲ مردامهه، تالار خانه «شهر کرمان» میزبان این گروه می‌شود و از ۱۴ تا ۱۶ مرداد گروه کیهان کلهر در تالار رودکی شهر اصفهان برنامه دارند. عبدالحسین مختاباد هم به همراه گروه «چهل دف» و گروه موسیقی «رودکی» در روزهای ۱۴ و ۱۵ مردامهه ساعت ۲۰ در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی برنامه دارند و پیش‌فروش بلیت‌های این کنسرت نیز با بلیت ۳۰ تا ۴۰ هزار تومانی از ۵ مردامهه از طریق مراکز فروش «فنونوس» و «همایش‌گستر» در حال انجام است. پروژه «سیمرغ» هم به همراه آواز همایون شجریان در استادیوم تنیس مجموعه ورزشی انقلاب از پنجشنبه ۷ مردامهه



اجرایش آغاز شده و شنبه به پایان رسید. این کنسرت با آهنگسازی حمید متنبس، رهبری محمدرضا درویشی و با حضور ۴۰ نوازنده برجسته کشور اجرا می‌شود. تا ۱۲ مردامهه کنسرت «جلودانه‌ها» نیز با حضور اسفندیار قرباغی، داود حیدری، رضا عشقی‌پور و حمید خندان و اجرای ژاله صداقیان در نمایشگاه بین‌المللی تهران سالن میلاد برگزار می‌شود. گروه آریان نیز از ۱۲ تا ۱۴ مردامهه در مرکز همایش‌های برج میلاد در دو سانس برنامه اجرا می‌کنند. ارکستر آکادمیک تهران نیز ۱۴ و ۱۵ مردامهه در تالار وحدت به صدا درمی‌آید. این کنسرت به رهبری امین سلاوهی و حمید درویشی و حمید فراتش در فرهنگسرای بهمن در روزهای ۱۴ و ۱۵ مردامهه در ساعت ۲۰ برپا می‌شود. کنسرت پاپ گروه ارکید به سرپرستی و خوانندگی ارکیده حاجی‌وند ۱۷ بانوان در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ مردامهه ساعت ۱۲ برگزار می‌شود.